

## ۸ توصیه برای نجات اقتصاد بحران زده جهان

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول گاهی در هیأت فرشته نجات و گاهی در کسوت دژخیم خون آشامی که خون زحمتکشان و فرودستان را به شیشه می کنند در رسانه های گروهی جهان ترسیم می شوند. بحران های میانه و اواخر دهه نود سبب شد تا سیاست های این دو نهاد زیر علامت سؤال بزرگی قرار گیرد. مقاله ای که برگردان فارسی آن را در زیر می خوانید نوشته «آلن اس بلیندر»، استاد اقتصاد دانشگاه پرینستون است که در سال های ۱۹۹۶ - ۱۹۹۴ معاون رییس هیأت مدیره فدرال ریزرو آمریکا بود. این مقاله را از مجله فارین افیرز (سپتامبر و اکتبر ۹۹) بدان امید انتخاب کردیم که اقتصاددانان هم وطن و فارسی نویسان آشنا به سیاست های اقتصادی بانک جهانی برانگیخته شوند و مجله گزارش را در ادامه سلسله مباحثی که از مدت ها پیش برای نشان دادن اثرات سیاست های این دو نهاد بر اقتصاد ایران چاپ آنها را آغاز کرده ایم. یاری دهند. نکته شایان ذکر این که نویسنده این مقاله طرفدار اقتصاد آزاد است و از زاویه نگاه خود به بحران های جهانی می نگردد و برای آنها راه حل ارائه می دهد. طبیعی است که اقتصاددانان ما با این پیشنهادها با تردید و شک برخورد کنند.

که اگر کارها بر وفق مراد پیش نرفت عده دیگری تاوان آن را خواهند داد و ضامنشان می شوند. اما خطر «قوت قلب» روبه گسترش است: واقعیت این است که هنگام ترکیدن حسابها در اقتصاد، صدها میلیون رهگذر بی گناه، بی آن که در بورس بازی ها سهمی داشته باشند قربانی می شوند. نظام مالی جهانی در حال حاضر نمی تواند از فقرا و اقشار فرو دست در برابر بحران های مالی حفاظت کند. این ناتوانی دلیل اصلی جست و جوی اصلاحات در نظام مالی است. آن کسانی که در بازارهای مالی به خطرهای اشتباه آمیز دست می زنند باید خود بهای اشتباهاتشان را بپردازند. اما شهروندان بی گناه که در بازی اقتصادی هیچ نقشی ندارند معمولاً قربانی می شوند. چگونه به این آشفته بازار دچار شده ایم؟

«جوزف استیگ لیتز»، اقتصاددان ارشد بانک جهانی سخن نغزی در مورد این بحران ها گفته است. وی می گوید: «وقتی تعداد زیادی اتمبیل از جاده به خارج پرت می شوند دیگر نباید رانندگان را مقصر دانست بلکه اشکال در جاده است.» در واقع این روزها معماری مالی جهانی زیر سؤال است. اکثر بحثها پیرامون «خطر قوت قلب» دور می زند که واژگان زمختی است که از دنیای بیمه ده سال پیش برای دنیای اقتصاد وام گرفته شد. در محیط های مالی این واژگان به این مفهوم است که مردم (یا بانکها، یا دولتها) که از پیامد اعمال خود ایمن هستند و مجبور نیستند بهای اشتباهات خود را بپردازند، دست به خطرهای گستاخانه می زنند و بدان امید

به برتون وودز باز گردیم  
گرچه پیشتر بحران های مالی چشمان اکثریت مردم را بی فروغ می کرد، اما فقط نظر تعداد محدودی از کارشناسان به بحران ها جلب می شد که تازه آنها هم هنگام بروز این بحران ها پشت چشم نازک می کردند. ولی اکنون وضع تغییر کرده است. در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ توجه انبوه مردم جهان به بحران های مالی جلب شد. سقوط سرسام آور ارزش پول در مکزیک (۱۹۹۵)، جنوب شرقی آسیا (۱۹۹۷)، روسیه (۱۹۹۸)، برزیل (۱۹۹۹) موضوع بحران های مالی را به صفحه اول روزنامه ها کشاند. فاجعه های مالی آنقدر تکرار می شوند و آنقدر مخرب و مسری شده اند که دیگر نمی توان آنها را نادیده گرفت.

INTERNATIONAL COURIER SERVICE  
شرکت حمل و نقل بین المللی آرامکس



با بازده سال سابقه در نشان  
حمل و نقل بین المللی هوایی در جهان

آرامکس  
ARAMEX  
It's A Small World

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۰۰۳۹۴۰، ۱۴-۶۴۹۳۹۱۳ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱-۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave., P.O.Box: 14155 - 1191 Tehran - IRAN, Tel: 6493913-14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX @ W W W.DCI. CO.IR

۱۹۷۰، آی.ام.اف دلیل وجودی خود را از دست داد. اما صندوق مذکور چند بار تغییر رسالت داد و اکنون به ناصح و امداد رسان جهانی بدل شده است. زمانی نقش ثروتمند خیرخواهی را بازی می‌کند، زمانی به هیأت آموزگاری سخت‌گیر در می‌آید و در مواقعی آتش‌نشان جهانی می‌شود. در عمل، صندوق بین‌المللی پول به کشورها توصیه می‌کند «اخلاق اقتصادی» را رعایت کنند. تنها در ازای این «خوش رفتاری» است که صندوق، پیشنهادهای مالی می‌دهد و در هنگام بروز بحران مالی به کشورهای بحران‌زده امداد می‌رساند.

سال‌ها است که صندوق بین‌المللی پول آماج انتقادات تند است. در دهه ۱۹۹۰ لحن این انتقادات از پایان سال ۱۹۹۴ که بحران مکزیک پیش آمد، توصیه‌های موعظه‌گونه نقش «آتش‌نشان» بودن صندوق بین‌المللی پول هدف انتقادات شدید قرار گرفت.

بعضی از شخصیت‌های برجسته اقتصادی جهان، از جمله رییس خزانه‌داری سابق آمریکا، «جورج پ. شولتز» حتی خواهان انحلال صندوق بین‌المللی پول شده‌اند. این وضع یک پرسش اساسی را مطرح می‌کند. آیا مصیبت‌های مالی اخیر در جهان به دلیل وجود صندوق بین‌المللی پول رخ داده است؟

اکنون به نظر می‌آید که اجماع نظریات - حتی در درون خود صندوق بین‌المللی پول - بر این باشد که ساختار صندوق کهنه و فرسوده است و باید روزآمد شود. اما متأسفانه این اجماع در عمل به نتیجه‌ای نمی‌انجامد و اقدامی برای تغییر وضع انجام نمی‌شود.

چگونه می‌توانیم آن معماری بین‌المللی مالی را که در ۱۹۴۴ طراحی شده، برای دنیای پرشتاب و دستخوش دگرگونی‌های سریع ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ به کار گیریم و نتیجه مطلوب بدست آوریم؟ برنامه هشت ماده‌ای زیر بیشتر به اصول کلی این معماری نظر دارد و کمتر به سنگ، خشت و آجر آن - نه آن‌که جزئیات این معماری بی‌اهمیت باشد - بلکه برعکس، اتفاقاً خدا و شیطان در جزئیات بروز می‌کنند که کلیشه‌ای قدیمی در غرب است. اما به هر حال بحث‌های معنی‌دار بر سر تعدادی از ریزه‌کاری‌ها باید کمی به تأخیر بیفتند تا ما بتوانیم بر اصول بنیادی نظام مالی نوین جهانی به توافق برسیم. همیشه نخست قوانین فیزیکی جا می‌افتند و آنگاه فن میکائیک و مهندسی رشد می‌کند.

## ملتها نباید از عادات بد مالی آمریکا پیروی کنند، مگر آن‌که آنقدر ثروتمند باشند که بتوانند از پس اشتباهات خود برآیند.

هنر ممکن‌ها

راه منطقی را می‌توانیم با مشخص کردن اهداف اصلاحات بین‌المللی مالی شروع کنیم. می‌خواهیم به کجا برسیم؟ نمی‌توانیم یک نظام مالی بین‌المللی را طراحی کنیم که از هر نوع خطری عاری باشد. سراسیمگی و بورس بازی‌های افراطی در بطن سرمایه‌داری بازار آزاد نهفته است و از آن گریزی نیست.

بازارهای بورس‌بازی همیشه دستخوش امواج حرص و سراسیمگی هستند.

این بازارها دائم در افراط و تفریط غوطه‌ورند و رفتارهای گله‌وار در آنها به چشم می‌خورد. ترس

یک کارگزار یا بورس باز به سرعت به دیگران سرایت می‌کند. همه این آفت و خیزها بهایی است که ما برای سرمایه‌داری بسیار پُربار با آنهمه دستاورد می‌پردازیم. اما ما باید این آفت و خیزها را بشناسیم. نظام فعلی مالی حاکم بر جهان، بحران‌های فراوان با قدرت تخریب زیاد به جا می‌گذارد. در چند سال گذشته اکثر نقاط جهان

غرب از یکی از این بحران‌ها رنج برده است. آنچه که اقتصاد جهانی نیاز دارد، راهی برای کاهش بسامد (فرکانس) و شدت این بحران‌هاست. وانگهی، نظام فعلی مالی به سرعت بیماری‌های خود را همه‌گیر می‌سازد، به نحوی که به بلبشو و بلوا در سراسر جهان منجر می‌شود. باید در معماری مالی نوین ساز و کار دفاعی محکم‌تری در برابر این تأثیر مخرب ایجاد کنیم. شاید مهم‌ترین ساز و کار دفاعی - که کمتر مورد توجه است - حفاظت از انبوه مردم بی‌گناه کوچک و بازار است که طومار زندگی شکننده‌شان با یک بحران مالی که خود در آن نقشی نداشته‌اند، در هم پیچیده می‌شود.

اما چگونه؟ طرح‌های پرزرق و برق که شامل نهادهای بین‌المللی بسیار پیچیده است به سرعت به نتیجه مطلوب نمی‌انجامد. با همه شایستگی‌هایی که می‌توان برای بانک مرکزی جهانی قائل شد، تأسیس آن به عمر ما وفا نمی‌کند. حتی ایجاد یک آبر تنظیم‌کننده مالی جهانی (Global Financial super - Regulator) که هدف چندان بلندپروازانه‌ای

نیست، نیازمند نادیده گرفتن حاکمیت ملی بسیاری از کشورهاست و دادگاه بین‌المللی ورشکستگی نمی‌تواند بدون هماهنگی بین ملل مختلف با قوانین ورشکستگی متفاوت تشکیل شود. بهتر است به برنامه‌های کمتر بلندپروازانه‌تر و آسان‌یاب، بچسبیم که کمتر به ایجاد نهادهای بین‌المللی نیاز دارد. فقرای جهان نمی‌توانند منتظر برپایی عمارت‌های باشکوه بمانند تا در درون آنها درباره زندگی‌شان تصمیمی گرفته شود.

برنامه هشت ماده‌ای را که در این مقاله مطرح می‌کنم از دو طریق قابل طراحی و اجراست:



### مؤسسه آتش‌نشان

خدمات آتش‌نشان  
لوازم آتش‌نشانی و لیمنی،  
هارژ  
سیستم اعلام حریق حفاظت  
فردی



تولیدکننده،  
تعمیرات و شلبرهای  
آتش‌نشانی  
دستگاههای کف‌ساز

نشانی: میدان انقلاب، خیابان آزادی، بعد از جمال‌زاده،  
خیابان ولعصر، پلاک ۱۶۰، کد ۱۴۱۹۸  
تلفن: ۵۱ - ۶۴۳۶۲۵۰ فاکس: ۶۴۳۶۲۵۱

عضو اتحادیه ماشین‌ساز و ابزار تراش تهران

باید اذعان کرد که صندوق بین‌المللی پول باید شناوری نرخ تبادل ارزها را به عنوان یک اصل در سال ۲۰۰۰ به رسمیت بشناسد. همان‌طور که در ۱۹۴۴ ثابت بودن آن را پذیرفت و به کشورهای عضو قبولاند.

من باور ندارم که یک راهکار تبادل ارزی یکسان برای همه کشورها قابل اجرا باشد. بعضی از کشورها در بعضی از زمان‌ها، شاید دلیل درستی برای تثبیت ارزهای خود و ثابت نگهداشتن نرخ تبدیل آنها با ارزهای معتبر جهان داشته باشند. برای مثال، ثبات نرخ برابری پول برزیل که حرکتی مورچه‌وار داشت و سید ارزی آرژانتین (که متضمن قابلیت تبدیل پزو به دلار آمریکاست) هر دو کشور را از گزند تورم لگام‌گسیخته در دهه ۱۹۹۰ محافظت کرد.

سید ارزی هنگ‌کنگ اعتماد سرمایه‌گذاران را در دهه ۱۹۸۰ ابقاء کرد، در حالی که تیغ گیوتین بازگشت حاکمیت چین بر گردن آن بندر سایه افکنده بود. بعضی از کشورهای کوچک که تحت انقیاد همسایگان خود قرار دارند، یا باید جسورانه و

نگذاشته بود، تأکیدی بر آن نمی‌شد. همه بحران‌های مالی بین‌المللی دهه ۱۹۹۰، مثل بیشتر بحران‌های دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، یک وجه مشترک داشتند: نرخ تبادل ارزها که زیر حملات بورس‌بازی به هم ریخته بود، به طور مصنوعی ثابت مانده بود. در حقیقت، در قلب بحران‌های مالی مکزیک، آسیای جنوب شرقی، روسیه و برزیل، دفاع از نرخ ثابت تبادل ارزها به نحو غیرمنطقی به چشم می‌خورد. درسی که از این بحران‌ها می‌توانیم بگیریم بسیار دردناک است: نرخ تبادل ارزها نباید ثابت بماند زیرا برای تندرستی نظام اقتصادی خطرناک است. این یک موضع ایدئولوژیک نیست که طرفداران پر و پا قرص بازارهای آزاد بیان می‌کنند. بلکه برعکس، براساس مشاهدات و تجربه عملی بسیاری از کشورها به این اصل رسیده‌ام. حتی مدعی نیستم که به طور مطلق و حتماً باید نرخ تبادل ارزها، شناور باشد و یا همه کشورها شیوع عمل یکسانی در پیش گیرند، حتی در بعضی شرایط، برای مدت کوتاهی نرخ ثابت تبادل ارزها جواب می‌دهد. اما

اصلاح صندوق بین‌المللی پول و یا تغییر در روش‌های ملی اجرای توصیه‌های آن. (در واقع از هم‌اکنون بعضی از کشورها به نحو دلخواه خودشان به توصیه‌های صندوق عمل می‌کنند.) توصیه‌ها به دو مقوله تقسیم می‌شوند که دقیقاً با نقش‌های صندوق بین‌المللی پول به مثابه معلم و آتش‌نشان مطابقت دارند.

چهار توصیه نخست از طرح هشت ماده‌ای به ایجاد نظام مالی به آسیب‌پذیری‌های بسیار کم اختصاص دارد از آن جمله که حکومت‌های مستقل بتوانند بدون نقض حاکمیت ملی خود سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول را اجرا کنند. همان‌طور که خواهید دید بخشی از روش‌های معلم‌وار صندوق باید تغییر کند.

**اصل یک:** نرخ تبادل ارزها را ثابت نگه ندارید این نکته که به عنوان اصل یک، پیشنهاد می‌کنم یکی از اصول بنیادین صندوق بین‌المللی پول است اما تا آوریل ۱۹۹۹ که وزیر سابق خزانه‌داری آمریکا رابرت. تی. رایبین بر آن صحنه



## شرکت ایران بهداشت

عرضه کننده کاملترین مجموعه تجهیزات  
و وسایل درمان بیماریهای قلب و عروق

با به کار بستن توصیه های ساده زیر زمینه ابتلا به بیماریهای  
قلبی را کاهش دهید و سلامتی خود را تضمین کنید :

- عدم استعمال دخانیات
- افزایش فعالیت‌های بدنی و ورزش
- کاهش فشارهای عصبی
- تغذیه مناسب
- کاهش استفاده از چربی های حیوانی
- افزایش مصرف سبزیجات و مواد گیاهی
- کنترل فشار خون

تهران، خیابان طالقانی غربی، چهارراه فریمان، شماره ۱۲۲ تلفن: ۴-۶۴۶۷۱۸۱ فاکس: ۶۴۰۲۹۵۶

**زندگی سالم،  
قلب سالم**

یا مایوسانه نرخ مستقل تبادل ارز داشته باشند. نرخ‌های ثابت شاید به دلایل دیگری ضروری باشند. ساز و کار نرخ تبادل ارزهای اروپایی را به یاد بیاورید، که سنگ بنای ایجاد اتحاد پولی بود. اما این ساز و کار را باید یک استثناء دانست تا یک قاعده عمومی هر اندازه که بازارهای مالی بزرگ‌تر و سیال‌تر می‌شوند، کارایی نرخ‌های ثابت تبادل ارزها که در واقع برای همیشه ثابت نیستند (همان‌طور که در مورد یک اتحاد پولی هم صادق است)، به تدریج کاهش می‌یابد. نیروهای بازار در مقایسه با منابع در دسترس بانک مرکزی به مراتب قوی‌تر هستند. به همین دلیل باید بپذیریم که جهان امروز بسیار متفاوت با ۱۹۴۴ است که معماران مالی آن زمان در برتون وودز می‌شناختند و از این رو نمی‌توان همچنان به طور مطلق بر ثبات نرخ تبادل ارزها به عنوان یک اصل پافشاری کرد. هر ملتی که تصمیم به باثبات کردن نرخ برابری تبادل ارز خود می‌گیرد باید مفرگریزی را برای روز مبادا پیش‌بینی کند تا بتواند پیش از آن که بورس‌بازان هدف‌گیری خود را آغاز کنند، از آن مفر استفاده نماید. فکر کنید، اگر پیروی مکزیکی، رویه اندونزی و رئال (real) برزیل به تدریج در طول چند ماه یا چند سال به طرف پایین شناور می‌شد، تعدیل‌های ضروری اقتصادی این کشورها چقدر آسان‌تر و کم‌بحران‌تر بود؟ همان‌طور که جورج ساروس (که ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر مالزی سایه او را با تیر می‌زند) گفته است اگر نرخ تبادل ارزها ثابت نباشد، بورس‌بازان نمی‌توانند هدف‌گیری کنند، چون هدف آنها دائماً تغییر مکان می‌دهد.

#### اصل دوم: با ارز خارجی کمتر وام بگیرید

عامل رایج دوم در بحران‌های مالی دهه ۱۹۹۰ - به استثنای برزیل - دریافت وام اضافی به ازای ارز خارجی بود. این وام‌های خارجی اغلب کوتاه‌مدت بودند. دولت‌ها و صندوق بین‌المللی پول باید قویاً وام‌گیری‌های کلان به ارز خارجی را منع کنند.

اخذ وام‌های کلان خارجی همراه با ثبات نرخ برابری ارزها، ملغمه‌ای سمی برای اقتصاد می‌آفریند. شیوه بروز بحران و ایجاد این معجون و ملغمه مسموم‌کننده اقتصادی به این قرار است: در بازارهای پررونق نوظهور، نظیر آسیای جنوب شرقی بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در شرایطی فعال هستند که نرخ‌های بهره داخلی بسیار زیادند و در نتیجه جاذبه نرخ‌های پایین، برابری ارزی در

برابر دلار آمریکا، مارک آلمان و ین ژاپن مقاومت‌ناپذیرند. بنابراین برای مثال با دلار آمریکا وام می‌گیرند و به پول داخلی وام می‌دهند و یا در داخل سرمایه‌گذاری می‌کنند.

## این سیاست صندوق بین‌المللی پول که متعصبانه نفس ترمک سرمایه بین‌المللی را به طور مطلق برای هر کشوری با هر ساختار اقتصادی یک نعمت می‌داند، اشتباهی است فظرنای

این دقیقاً همان کاری است که دولت مکزیکی در ۱۹۹۴ انجام داد، بانک‌های جنوب شرق آسیا و بازارگانان نیز در سراسر دهه ۱۹۹۰ چنین کرده‌اند. هنگامی که نرخ تثبیت شده ارز سقوط کرد، آنان خودرا زیربمینی از وام‌های غیرقابل پرداخت یافتند. میلیون‌ها قربانی بی‌گناه در کوچه و بازار زیر بار وامی که خود در گرفتن آن نقشی نداشته‌اند، له می‌شوند.

**اصل سه:** در باز کردن بازارهای سرمایه شتاب نگیرید  
تحرك لگام‌گسیخته سرمایه‌های بین‌المللی برای همه کشورها توصیه نمی‌شود. من نه توقف جریان جهانی سرمایه را توصیه می‌کنم و نه تقلید از رویکرد سخت‌گیرانه مالزی در جریان سرمایه را. اصولاً فکر نمی‌کنم که پیروی از راهکار پشتیبانی از اقتصاد ملی در برابر اقتصاد جهانی به نحوی که از واردات جلوگیری شود در بخش خدمات مالی کار درستی باشد. کشور شیلی نمونه معتدلی از باز کردن درهای اقتصاد به روی بانک‌های خارجی را نشان می‌دهد که در عین حال کنترل‌های محتاطانه‌ای بر ورود سرمایه بیش از خروج آن به عمل می‌آورد. سایر کشورها می‌توانند بر حسب

اوضاع و احوال خاص خود جریان سرمایه جهانی را به داخل اقتصاد خود کُند و یا تُند کنند. اما این اجماع صندوق بین‌المللی پول که متعصبانه نفس تحرك سرمایه بین‌المللی را به طور مطلق برای هر کشوری با هر ساختار اقتصادی یک نعمت می‌داند، اشتباهی است خطرناک که باید با اندکی عقل سلیم اصلاح شود.

به نظر می‌رسد که تا همین دو سال پیش صندوق بین‌المللی پول به سمت حساب سرمایه قابل تبدیل برای همه کشورهای عضو می‌رفت. در طول بحران‌های آسیا این صندوق تصور کرد که حساب‌های باز سرمایه بخشی از راه حل است تا بخشی از مشکل. در حالی که این تصور را حکومت آمریکا در صندوق جا انداخته بود.

بخشی از مشکل مربوط است به توالی باز کردن حساب‌ها، تعداد زیادی از بازارهای در حال توسعه خیلی باثبات و با هم می‌خواهند درهای خود را به روی سرمایه‌های خارجی باز کنند، در حالی که هنوز ساختارهای نظارتی مناسب ندارند. هرچند گشایش نظام‌های اقتصادی به روی جریان بین‌المللی سرمایه هدفی عالی و درازمدت است اما صندوق بین‌المللی پول نباید زود هنگام و قبل از اصلاح ساختارهای اقتصادی، آن را به همه کشورها توصیه کند. به عبارت دیگر، ملت‌ها نباید از عادات بد مالی آمریکا پیروی کنند، مگر آن‌که آنقدر ثروتمند باشند که بتوانند از پس اشتباهات خود برآیند. دیدیم که کشورهای اندونزی و مالزی «اسباب بزرگی» برای پیروی از قوانین بازی آمریکایی فراهم نکرده بودند و بهایی گزاف برای آن پرداختند.

#### اصل چهار: از راهکارهای مالی و اقتصاد کلان درست پیروی کنید.

حرف‌های کلیشه‌ای و شعارگونه خود را برای آخر گذاشته‌ام. نه برای آن‌که با آن مخالف هستم بلکه برای آن‌که از بس آنها را تکرار کرده‌اند نخ نما شده‌اند. معهداً همین حرف‌ها همچنان حقیقت را بیان می‌کنند. اکثر متن‌های معاصر اقتصاد، خواهان اصلاحات مالی بین‌المللی هستند و کشورها را به پیروی از راهکارهای پولی و مالی درست تشویق می‌کنند تا از بی‌توانی‌ها در حساب‌های جاری اجتناب شود و ساختارهای نظارتی و تنظیم‌کننده قوی، توسعه یابند. همچنین توصیه می‌شود که معیارهای حسابداری، شفافیت یابند و قوانین ورشکستگی رعایت شود. بیشتر حرف‌هایی که در زیر اصل ۴ زدیم

بدیهی و غیرقابل انکار به نظر می‌آید. زیرا چه کسی است که بگوید باید از راهکارهای نادرست اقتصاد کلان پیروی کرد و یا شفاف عمل نکرد و مقررات ناکارآمد را به اجرا درنیآورد؟ اما در عمل وقتی به جزئیات می‌پردازیم می‌بینیم که به کار بستن توصیه‌های فوق آسان نیست. بنابراین من فقط رویکردی عمومی را مطرح می‌کنم و تنها دو موضوع را مورد بررسی قرار می‌دهم. نخست، به دو موضوع بسیار کسل‌کننده اشاره می‌کنم. نظارت بانک و استانداردهای حسابداری. در مرحله بعد باید متذکر شوم که هرچند شفافیت مد روز است اما نباید انتظار داشت که با شفافیت می‌توان از بروز بحران جلوگیری کرد. در شفاف‌ترین بازارها مانند بازار سهام نیویورک هم آفت و خیزها و بحران به چشم می‌خورد.

هرچقدر راهکارها نوین و درست باشند باز هم تصادفها و بحران‌های مالی رخ می‌دهند. هنگام بروز بحران، صندوق بین‌المللی پول باید جوخه آتش‌نشان، یا بهتر است بگوییم، بحران‌نشان و امدادرسان جهانی بماند. من نیازی نمی‌بینم که وظیفه صندوق بین‌المللی پول را تعریف مجدد کنم و یا خواهان انحلال آن باشم. اگر صندوق بین‌المللی پول منحل شود، جهان خیلی زود نهاد مشابهی را جایگزین آن خواهد کرد. اما رسالت و وظایف صندوق بین‌المللی پول نیاز به دگرگونی دارد. منتقدان، صندوق مذکور را متهم می‌کنند که به جای فرونشاندن بحران‌ها، بر دامنه آنها می‌افزاید. هرچند در این نوع اتهامات اغراق‌گویی هم می‌شود، اما بخش مهمی از حقیقت را در آنها می‌توان یافت. بنابراین در پاسخ به این پرسش که مدیریت بحران صندوق بین‌المللی پول چه باید بکند: اصول زیر را طرح می‌کنم:

### اصل پنجم: راهکار ریاضت اقتصادی همیشه داروی شفاف‌بخش نیست

یک انتقاد رایج از صندوق بین‌المللی پول این است که این صندوق مانند پزشکان تک نسخه‌ای برای هر بیماری اقتصادی فقط و فقط یک نسخه می‌نویسد و آن هم ریاضت اقتصادی است. به عنوان یک بانکدار سابق خوب می‌فهمم که سیاست‌های پولی و مالی جایگاه خود را دارند، اما این جایگاه در همه کشورها یکسان نیست. برای مثال، در بیشتر سال‌های دهه ۱۹۸۰، بودجه‌های انقباضی‌تر و رشد پولی اندک‌تر به اقتصاد آمریکای لاتین کمک کرد. آن هم در زمانی که کسری‌های کلان بودجه ناشی از چاب بی‌حساب پول به تورم دامن زده بود. اما صندوق بین‌المللی پول در ۱۹۹۷ در آسیای جنوب شرقی مرتکب اشتباه شد. زیرا در

این منطقه از جهان نه کسری بودجه وجود داشت و نه تورم، بخشی از مشکل بود. بنابراین دلیلی برای توصیه ریاضت اقتصادی و پیروی از بودجه انقباضی وجود نداشت. تأسف‌بارتر آن است که صندوق بین‌المللی پول رسماً اعتراف نکرد، که توصیه‌هایش به کشورهای جنوب شرقی آسیا در ۱۹۹۷ اشتباه بوده است.

البته معیار معقول برای تحمیل کمی پول و انقباض بودجه، دفاع از نرخ ثابت تبادل ارزهاست. یعنی پیروی از همان اصلی که در برتون وودز مورد تصویب قرار گرفت و پیش از آن هم در دوران تسلط طلا به عنوان پشتوانه پول اجرا می‌شد. معمولاً صندوق بین‌المللی پول به این عقیده که نرخ‌های بهره کمتر از ارزها در برابر بورس بازی حفاظت می‌کند، می‌خندد. البته که نرخ‌های بهره کمتر، نمی‌توانند چنین حفاظتی را انجام دهند، اما نکته دقیقاً همین جا است که اگر ارزها شناور باشند، دیگر نرخی ثابت و پایدار نیست که بورس باز آن را هدف بگیرد و بدین ترتیب نیاز کمتری به نرخ‌های بهره بالا وجود دارد. وانگهی، نباید نظام اقتصادی کشوری را نابود

سازیم تا اعتبار ارز آن کشور را ابقاء کنیم. حداقل در آسیا این شیوه موفق نبوده است.

دیگر زمان آن رسیده که صندوق بین‌المللی پول دریابد و بپذیرد که وضعیت در اواخر دهه ۱۹۹۰ به طور اصولی و بنیادی با اوضاع و احوال دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تفاوت دارد. به ویژه آن‌که تورم - که در دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰

آینه دق و دلیل تراشی دیگری برای ریاضت اقتصادی بود - دیگر مسأله‌ساز نیست. بلکه کمبود جهان‌شمول تقاضا بیماری اصلی اقتصاد کلان در سراسر گیتی است. آن برنامه‌های اقتصادی که بر ریاضت اقتصادی پامی‌فشرند بر وخامت اوضاع، یعنی کاهش تقاضا می‌افزایند و هیچ کمکی به کاهش آن نمی‌کنند، در

جهانی که نرخ‌های تبادل ارزها شناورند و نرخ بهره پایین است، ریاضت پولی و مالی باید خیلی کم توصیه شود.

### اصل ششم: منابع بیشتری را برای حفاظت از رهگذران بی‌گناه یعنی مردم کوچه و بازار اختصاص دهیم

همان‌طور که در آغاز مقاله گفتم، معماری نوین مالی باید به گونه‌ای باشد که پوشش و سرپناه اجتماعی امنی برای رهگذران بی‌گناه در مواقع بروز توفان‌های بنیان‌کن مالی فراهم سازد. این فکر چندان هم با رسالت صندوق بین‌المللی پول و ادعاهای آن منافات ندارد. هرچند در این صندوق کمتر به آن توجه می‌شود، و فقط حفاظت از منافع وام‌دهندگان مدنظر است.

به ما اطمینان می‌دهند که صندوق بین‌المللی پول همیشه می‌کوشد تا هزینه‌های عمومی و اجتماعی را مهار کند. اما بیایید واقع‌بینانه فکر کنیم در کشوری که بحران مالی رخ می‌دهد واقعاً چه می‌گذرد؟ مک‌زیک، برزیل و یا هر کشور آسیایی می‌تواند نمونه ما باشد، حکومت درمی‌یابد که درآمد مالیاتی به خاطر رکود اقتصادی کاهش

## مؤسسه فرهنگی آموزشی



### زبان سرا



لنابنده انحصاری دانشگاه آکسفورد (OUP) و مرکز آموزش و آزمونهای اتاق بازرگانی لندن (LCCI)

آمادگی خود را جهت ارائه خدمات ذیل اعلام می‌دارد:

- دوره مهارتی کاربردی مترجمی زبان انگلیسی با مدرک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- کلاسهای مکالمه ۱، ۲ و ۳ روز در هفته
- کلاسهای مکالمه گرامر ۳ روز در هفته
- کلاسهای مکالمه زبان فرانسه ۳ روز در هفته
- کلاسهای تک‌جلسه موضوعی زبان انگلیسی
- تورهای آموزشی - تفریحی نیم‌روزه و یک‌روزه به زبان انگلیسی
- کلاسهای تلفظ و آواشناسی زبان انگلیسی
- برگزارکننده انحصاری آزمون ELSA و سایر آزمونهای اتاق بازرگانی لندن LCCI با اعطای دیپلم رسمی از انگلستان (معتبر در ۸۰ کشور جهان و مورد قبول بیشتر دانشگاههای اروپا)
- عرضه‌کننده جدیدترین کتب، نوار و فیلمهای آموزشی از دانشگاه آکسفورد
- تنها سازنده لابراتوارهای کامپیوتری و الکترونیکی زبان به تأییدیه سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی ایران و تنها صادرکننده سیستم لابراتوار زبان به خارج از کشور

دفتر مرکزی: تهران، خ انقلاب، ابتدای وصال شیرازی، پلاک ۲۷  
تلفن: ۶۴۶۲۸۰۵ - ۶۴۶۲۶۱۲ - ۶۴۰۱۲۳۷ - ۶۴۱۷۱۱۹ فاکس: ۶۴۶۲۱۵۲

Email: zabansara@ravan.com

خواهد یافت. نرخ‌های بهره‌ای مربوط به وام‌های خارجی روبه افزایش می‌نهند و احتمالاً دولت آن کشور مفروض باید مسئولیت نجات بانک‌ها از ورشکستگی را به عهده بگیرد و وثیقه‌های معتبر را ضامن فعالیت‌های بانکی کند، در این هنگام صندوق بین‌المللی پول می‌رسد و فوراً توصیه می‌کند تا کسری کل بودجه کاهش یابد و یا از بین برود. چگونه، در چنین اوضاع و احوالی، کشوری می‌تواند به لشکر بیکاران و خیل فقرای خود پول برساند؟ پاسخ واضح است: به احتمال قوی کمر این کشور زیر بار مالی می‌شکند و فقرا باز هم قربانی نسخه ریاضت اقتصادی می‌شوند و بحران‌های اجتماعی و سیاسی اوج می‌گیرند و... بقیه ماجرا را از شبکه‌های تلویزیونی تعقیب کنید! صندوق بین‌المللی اصلاح شده که در ارتباط با بانک جهانی و بانک‌های منطقه‌ای توسعه کار بکند، خواهد توانست اطمینان ایجاد کند تا دولت‌ها مجبور نباشند به وام‌دهندگان خارجی در زمان بروز بحران وثیقه و وجه‌الضمان بدهند.

#### **اصل هفت: بر سر شیوه‌ای از بازپرداخت منظم وام‌ها به توافق برسیم**

بحران‌های مالی به طور نمونه به این مفهوم هستند که موجودیتی (خواه حکومت‌ها و خواه بنگاه‌های اقتصادی خصوصی) قادر به بازپرداخت وام‌های خود نیستند. وقتی بحران آغاز شد این پرسش طرح می‌شود که چه کسی و یا چه کسانی و به چه مقداری وام‌ها را باز پس می‌دهند؟ در پی بحران ۱۹۹۵-۱۹۹۴ مکزیک، نمایندگان ده کشور صنعتی وام دهنده و طلبکار گزارشی منتشر کردند که به موجب آن شیوه کار منظمی برای بازپرداخت وام‌ها تعیین شده بود.

این شیوه برخلاف روش معمول اعضاء صندوق بین‌المللی پول بود که هر طلبکاری می‌کوشد هر آنچه می‌تواند از کشور ورشکسته و بدهکار بگیرد و توجه‌ای به بازپرداخت سایر بدهی‌ها نداشته باشد. اساس این گزارش بر قوانین ناظر بر ورشکستگی اقتصاد داخلی استوار بود: طبق این قوانین دارایی‌ها در اقتصاد به هم ریخته ارزش واقعی خود را از دست می‌دهند. بنابراین تعیین شیوه منظم و قسط‌بندی برای بازپرداخت هم به نفع طلبکاران است، هم به نفع بدهکاران. وانگهی، صندوق بین‌المللی پول همیشه نمی‌تواند برای نجات کشورها از بحران‌ها اقدام کند. از این رو بهتر است طلبکاران و بدهکاران مستقل از صندوق بر سر بازپرداخت‌های وام به توافق برسند. متأسفانه در ۱۹۹۶، بخش خصوصی به چنین پیشنهادهایی بی‌علاقه بود و این ایده که در

گزارش ۱۹۹۴ طرح شد، مرد. اما خوشحالم که در گزارش‌های پاییز گذشته که گروه ۲۲ (کمیته‌ای از ۲۲ کشور که خواهان تقویت نظام مالی بین‌المللی بودند) این ایده را بار دیگر جان بخشیدند و این بار با دقت بیشتر به آن توجه کردند. از ۱۹۹۴ تا کنون، جهان چند بحران مالی دیگر به خود دیده است که در هر کدام از آنها، بدهکاران برای دستیابی به دارایی‌های کافی برای بازپرداخت وام‌ها تقلا می‌کردند. می‌توان امیدوار بود که تجربه‌های ناگوار، به علاوه درک این واقعیت که صندوق بین‌المللی پول منابع محدودی دارد، بعضی از طلبکاران بخش خصوصی را وادار کند که تقسیط یا برنامه و منظم بازپرداخت‌ها بهتر از نبود آن است که در وضعیت فعلی، کاری به جز دامن زدن به بحران‌ها نمی‌کند. اما افسوس که هنوز بخش خصوصی در غرب ثروتمند به سر عقل نیامده است. راه‌های بسیاری برای حل این مسأله وجود دارد. برای مثال، یک راه‌حل این است که کمیته‌های صاحبان اوراق بهادار درباره تقسیط وام‌ها تصمیم بگیرند. ویلم بوتیر (عضو کمیته سیاست‌های پولی بریتانیا) و آنت سیبرت (اقتصاددان کالج بیریک در لندن) پیشنهاد زیرکانه‌ای برای بازپرداخت با نرخ برای چریمه دیرکرد داده‌اند، که راه حل جالبی است.

بخش خصوصی باید در طراحی چنین معماری مالی شرکت کند. حکومت‌ها نباید به رغم میل سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، شرایط وام دادن را دیکته کنند، مبادا که بازار اعتبارها خشک شود. اما حکومت‌های ملی و صندوق بین‌المللی پول باید کارها را پیش ببرند. برای مثال، هفت کشور صنعتی با قبول اوراق بهاداری که در میان همه کشورهای عضو گروه هفت یا کشورهای بیشتری معتبر باشد، می‌توانند به طور جمعی سهام‌داران اوراق بهادار خود را در تقسیط وام‌های داده شده شریک کنند.

#### **اصل هشتم: پیشگیری بهتر از درمان است**

تاریخ اقتصادی سال‌های اخیر نمونه‌های فراوان در خود دارد که ثابت می‌کند در کشورهای بحران‌زده، گزینه‌های خوبی برای خروج و رهایی از بحران وجود ندارد. برای خروج از بحران هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار است و بسیار دشوارتر است که رشد اقتصادی را ابقاء کنیم. بنابراین واجب است که در کشورهای دارای بنیادهای صحیح اقتصادی، نظام را از یورش بورس‌بازان حفاظت کنیم.

طبق رویکردی سنتی، کشورهای ثروتمند و صندوق بین‌المللی پول فقط پس از آن‌که

کشورهای فقیر به دره بحران مالی سقوط کردند، به کمک آنها می‌شتابند. بنابراین پس از آن‌که خانه‌ها سوختند و خاکستر شدند، مأموران آتش‌نشان می‌رسند. اما جهان مالی در سال ۱۹۹۹ با شتاب بیشتری از جهان ۱۹۴۴ یا حتی ۱۹۷۳ متحول شد. بنابراین معماری نوین جهان باید از کشورهای بی‌سختی که از سیاست‌های درست مالی پیروی می‌کنند، پشتیبانی کند و نگذارد اصلاً وارد پیش‌زمینه‌های بحران شوند.

یک راه خوب برای انجام این کار گذاشتن پول کافی بین‌الملل به صورت ذخیره پول خارجی است تا بورس‌بازان بترسند. اگر این پیشنهاد در عمل به درستی اجرا شود - که حتماً بدون مشکل نخواهد بود - دیگر لازم نیست در دوران بحران، پول خرج کرد. خطوط اعتباری اضطراری (CCLS) که در صندوق بین‌المللی پول تأسیس شده، برای تحقق بخشیدن این تفکر است.

متأسفانه، پیاده کردن این تفکر، آن هم به نحوه مؤثر، کار آسانی نیست. در میان مسایل پردردسر و پرزحمت فراروی صندوق بین‌المللی پول یکی هم این است که چه معیاری را برای تشخیص کشورهای محتاج به کمک بین‌المللی به کار ببریم؟ بر سر کشورهایی که درجه‌بندی برای دریافت کمک نمی‌شوند چه خواهد آمد؟ بر سر کشوری که بر اثر اشتباهی به زیر معیار دریافت کمک سقوط می‌کند، چه می‌آید؟ آیا شفاف‌سازی نظام اقتصادی چراغ، دست دزد دادن نیست و کشورهای در حال رشد را در خطر حمله بورس‌بازان قرار نمی‌دهد؟

اگرچه جزئیات بسیاری باید مشخص شود، اما پاسخ دو بخش زیر را به این پرسش‌ها پیشنهاد می‌کنم. نخست این‌که با پیروی از اصولی که بیشتر بحث کردیم - شامل پیروی از سیاست‌های صحیح اقتصاد کلان و مالی، نرخ قابل انعطاف تبادل ارزشها (مگر آن‌که دلیل کافی برای تثبیت نرخ وجود داشته باشد) و وام‌گیری اندک به ارز خارجی - می‌توانیم فهرستی از «بایدها» و «نبایدها» برای صندوق بین‌المللی پول تهیه کنیم. در واقع اخیراً صندوق بین‌المللی پول رهنمودهایی برای تحقق این امر منتشر کرده است.

رده‌بندی کشورها نباید به طور قطعی یا به اصطلاح «یا این یا آن» باشد، یعنی همان روشی که فعلاً در صندوق بین‌المللی پول رایج است. رده‌بندی باید دارای تقسیم‌بندی ریز باشد. نگرانی اصلی این است که رده‌بندی کشورهایی که سزاوار دریافت کمک بین‌المللی تشخیص داده نمی‌شوند، آنها را در معرض خطر بیشتری قرار دهد. اما در

بازارهای اعتباری کارآمد، چنین تقسیم‌بندی، رده‌بندی و درجه‌بندی روشنی وجود ندارد.

هنگامی که این بازارها سالم کار می‌کنند، با کاهش اعتبار وام‌گیرندگان، نرخ‌های بهره بالاتر می‌رود و شرایط دریافت وام دشوارتر می‌شود. فقط هنگامی که سراسیمگی بر بازارها استیلا می‌یابد - که متأسفانه در کشورهای در حال توسعه این امر به دفعات رخ می‌دهد - بازارها به ارزیابی «همه یا هیچ» روی می‌آورند.

صندوق بین‌المللی پول باید از بازارهای منظم برای تعیین موازین رده‌بندی کشورها استفاده کند و نه بازارهای سراسیمه.

چگونه می‌توان این کار را کرد؟ به عنوان بخشی از شیوه‌های نظارت و بازرسی منظم، صندوق بین‌المللی پول می‌تواند کشورهای مختلف را به چند رده تقسیم کند. معیار رده‌بندی باید همانند آنچه گفتیم باشد. در زمان بروز بحران قبایل سرایت، کشورهای رده بالاتر در جدول رده‌بندی صندوق بین‌المللی پول باید دسترسی کامل به وام‌های صندوق داشته باشند و نرخ بهره باید نزدیک به بهره بازار باشد. هرچقدر که درجه رده‌بندی کشور پایین‌تر باشد، اعتبار کمتری

دریافت می‌کند. در نتیجه برای کشوری که در پایین‌ترین رده قرار دارد، هیچ حمایت مالی وجود نخواهد داشت.

اگرچه در اجرای این برنامه با اشکالاتی روبرو خواهیم شد، اما دلیلی وجود ندارد که هر امری از آغاز کامل و بی‌اشکال باشد. از آنجا که نظام رده‌بندی کشورها از بروز تعدادی از بحران‌ها جلوگیری می‌کند و از شدت تعدادی دیگر می‌کاهد، نباید اجازه داد که جزییات دست و پاگیر مانع اجرای کل نظام شود. از میلیاردها قربانی بی‌گناه در بحران‌های آینده که خیلی از آنها بسیار فقیر هستند، نباید انتظار داشت که تا تکمیل شدن نظام رده‌بندی صبر کنند.

خودستایی است بگویم که هشت اصل پیشنهادی در این مقاله باید به صورت یک مجموعه در معماری مالی جهانی استفاده شود. در حقیقت، امکان دارد که بعضی از اصول هشت‌گانه را با هم ادغام کنیم و یا تعدادی از آنها را به اجرا درآوریم. دو اصل نخست یعنی شناوری نرخ تبادل ارزها و کم کردن وام به ارز خارجی، از شش اصل دیگر مهم‌ترند.

اما این فهرست که حاوی هشت اصل است

نوعی پیوستگی درونی دارند: یک اصل مؤید اصل دیگر است، برای مثال اگر اجازه بدهیم که نرخ تبادل ارزها شناور باشد، جاذبه وام گرفتن به ارز خارجی کمتر می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، بازارهای سرمایه‌ای که کمتر باز هستند، اگر به درستی در صندوق بین‌المللی پول رده‌بندی شوند، می‌توانند از وقوع بحران‌ها جلوگیری کنند. نرخ‌های شناور و اصلاحات صندوق بین‌المللی پول کم‌کم نیاز به ریاضت مالی و پولی را کاهش می‌دهد و در نتیجه از رنج فقر و بیکاران کاسته می‌شود. شیوه‌های تقسیط منظم وام‌ها و هزینه‌های عمومی اجتماعی بیشتر از شدت تخریب بحران‌ها می‌کاهد.

هیچ‌کدام از این هشت اصل، انقلابی نیستند. احتمالاً تعدادی از آنها، یا همه آنها را در جای دیگری خوانده‌اید. اما این هشت اصل تماماً دستور کاری را تشکیل می‌دهند که در عین بلندپروازانه بودن، قابل دستیابی هستند. اگر این هشت اصل به کار گرفته شوند، هم به بازیگران بازار کمک خواهد شد و هم از میلیاردها نفر که ناخواسته به آنها وابسته‌اند حمایت می‌شود.



# کارتن سازی ملک

سازنده انواع کارتن سه لا و پنچ لا با چاپ  
دایکات و لمیت

پخش در سراسر ایران

اتوبان افسریه ، ۴۵ متری آهنک ، بعد از پل چهارم ، بلوار ابوذر ( به طرف دانشگاه )

نشانی کوچه علامه امینی ، پلاک ۱۷۱

تلفن : ۲۱۴۵۸۳۹ فاکس : ۲۱۴۴۴۷۷